

Research Paper

The Challenges of Restorative Justice Criminal-legal Policy-making Concerning the Constitution Principles



Jahanshah Shokri¹ , *Akbar Varvaei² , Masoud Ghasemi¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Kermanshah, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Amin University of Police, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation Shokri, J., Varvaei, A., & Ghasemi, M. (2021). [The Challenges of Restorative Justice Criminal-legal Policymaking Concerning the Constitution Principles (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 11(38), 1-19.



Received: 17 Aug 2019

Accepted: 01 Feb 2021

Available Online: 01 May 2021

Keywords:

Public policy, Criminal policy, Restorative justice, Challenges, Constitution

ABSTRACT

Following dissatisfaction with the penal justice system, criminal law policymakers introduced the emergence and development of the restorative justice paradigm. It is a contemporary vision of the penal justice system in the last quarter of the 20th century into the research and executive literature of the criminal justice system and its common practices, globally. In this regard, in the Iranian legal system, the implementation of public legislative-criminal policies requires attention to the set of strategic plans in the upstream documents. Such programs include the Constitution of the Islamic Republic of Iran, as the highest source of manifestation of political and judicial views. Available data suggested that designing a restorative justice paradigm in the criminal policy of the country faces several challenges. The present study used the library or documentary method to identify the challenges and limitations in the formalization of restorative justice in the approach to the principles of the Constitution. We also aimed at the presentation of solutions, which can lead to greater desirability of the legislative-restorative criminal policy in the Iranian legal system. They can challenge the formalization of the ideas governing restorative justice. The country's public policymakers and agents of the criminal justice system seek to achieve a desirable restorative criminal policy. For this purpose, they can recognize and overcome such challenges; identify and promote the significance of this idea in the Iranian legal system.

* Corresponding Author:

Akbar Varvaei, PhD.

Address: Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Amin University of Police, Tehran, Iran.

E-mail: dr.akbarvarvaei@yahoo.com

مقاله پژوهشی

چالش‌های سیاست‌گذاری جنایی - تقنینی عدالت ترمیمی در رویکرد با اصول قانون اساسی

جهانشاه شکری^۱، اکبر وروایی^۲، مسعود قاسمی^۱

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۲۶ مرداد ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۳ بهمن ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۰

سیاست‌گذاران حقوق کیفری، در پی نارضایتی‌ها از نظام عدالت تنبیهی، ظهور و توسعه پارادایم عدالت ترمیمی را به عنوان بینش معاصر نظام عدالت سزادهی در ربع آخر سده بیستم میلادی وارد ادبیات پژوهشی و اجرایی نظام عدالت کیفری و شیوه‌های مرسوم آن در دنیا کردند. در این راستا در نظام حقوقی ایران تحقق سیاست‌گذاری عمومی، تقنینی - جنایی، مستلزم توجه به مجموعه برنامه‌های راهبردی در اسناد بالادستی، از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عالی‌ترین منبع تجلی ظهور دیدگاه‌های سیاسی و قضایی - حقوقی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که طرح پارادایم عدالت ترمیمی در سیاست جنایی کشور با محدودیت‌ها و چالش‌های متعددی روبه‌روست. تحقیق حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای یا اسنادی در پی شناخت چالش‌ها و محدودیت‌های موجود در مسیر رسمی‌سازی عدالت ترمیمی در رویکرد با اصول قانون اساسی و ارائه راهکارهاست که بدون شک می‌تواند به مطلوبیت بیشتر سیاست جنایی، تقنینی - ترمیمی در نظام حقوقی ایران بینجامد. در واقع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صرف نظر از توجهاتی که به جایگاه این نوع از عدالت داشته شده است، اصولی وجود دارند که می‌توانند مسیر رسمی‌سازی اندیشه‌های حاکم بر عدالت ترمیمی را با چالش مواجه سازند. بدیهی است که سیاست‌گذاران عمومی کشور و کارگزاران نظام عدالت کیفری در راستای دست‌یابی به یک سیاست جنایی مطلوب ترمیمی، بتوانند با شناخت و گذر از این نوع چالش‌ها، جایگاه واقعی این اندیشه را در نظام حقوقی ایران پیدا کرده و ارتقا بخشند.

کلیدواژه‌ها:

سیاست‌گذاری عمومی،
سیاست جنایی، عدالت
ترمیمی، چالش‌ها، قانون
اساسی

* نویسنده مسئول:

دکتر اکبر وروایی

نشانی: تهران، دانشگاه علوم انتظامی امین، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

پست الکترونیکی: dr.akbarvarvaei@yahoo.com

مقدمه

است (شیری، ۱۳۹۷: ۱۶۷)، به دلیل اهمیت موضوع هنگام سیاست‌گذاری‌های کلان عمومی و تصویب قوانین بالادستی نظیر سیاست‌های کلان، برنامه‌های پنج ساله و غیره، موضوع بزهکاری و سیاست جنایی تقنینی در رابطه با تحقق اهداف عدالت کیفری از اهمیت خاصی برخوردار است.

سیاست‌گذاران و مدیران نظام‌های عدالت کیفری در دنیا، در نتیجه سنجش علمی یا تحقیقات ارزیابی‌کننده^۱ از سیاست جنایی و پس از آگاهی از فقدان اثربخشی بسیاری از واکنش‌های سزاگرایانه دولت‌ها در واکنش علیه بزه و در پی و انتشار ارزیابی نتایج مثبت اندیشه‌های ترمیم‌مدار^۲، به تدریج بسترهای لازم را برای به رسمیت شناختن سازوکارهای ترمیم‌مدار فراهم آوردند، سازوکارهایی که از آن‌ها به عنوان یکی از ایده‌های بزرگ جرم‌شناسی (شاید بزرگ‌ترین ایده) که طی سه دهه گذشته ظهور پیدا کرده و نیز شاید از نظر بسیاری از جرم‌شناسان، یک چالش اساسی برای پارادایم عدالت کیفری، تحت نام «عدالت ترمیمی» یاد می‌شود (Walgrave: 2008: 130).

عدالت ترمیمی اساساً یک نظریه هنجاری عدالت است. استدلالی است برای ترمیم یا کاهش آنچه باید در پی اقداماتی که موجب آسیب شده‌اند، قابل

اصولاً سیاست‌گذاری عمومی را به مجموعه‌ای از سیاست‌های دولت که در راستای حکمرانی در جامعه طراحی و شکل می‌گیرد، می‌دانند. سیاست‌های دولت در همه زمینه‌ها، از جمله در حوزه‌های اقتصاد، رفاه، سیاست، آموزش، جامعه‌شناسی، فرهنگ، عدالت کیفری و غیره، حوزه مطالعاتی رشته سیاست‌گذاری عمومی را تشکیل می‌دهد.

همین‌طور وجود یک فرایند یا مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تصمیم‌های دولتی که با هدف حل یک مسئله عمومی طراحی شده‌اند، سیاست‌گذاری عمومی نامیده‌اند (ملک‌محمدی، ۱۳۸۳: ۲۰).

سیاست‌گذاری عمومی به وسیله نهادهای رسمی تقنینی، قضایی، اجرایی-مشارکتی صورت می‌گیرد، که در این راستا در حوزه بزهکاری به دلیل اهمیت آن بر سایر حوزه‌ها نیز حساس شده و به دنبال نتایج مثبت‌تر در این حوزه و در واکنش به جرم است.

در ایران، ارتباط سیاست‌گذاری عمومی با پدیده بزهکاری و جنایی و همین‌طور بحث آسیب‌های اجتماعی در قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مورد توجه قرار گرفته است.

نگاه جامع و سیستماتیک سیاست‌گذاری عمومی که «مبتنی بر قانون و اقتدارآمیز بودن است» (اشتریان، ۱۳۹۶: ۲۸)، موجب شده که پدیده مجرمانه به عنوان یک جزء از مجموعه‌های سیاست به کار رفته در یک نظام سیاسی، کانون توجه قرار گیرد.

سیاست‌گذاری‌های جنایی در ایران مبتنی بر قانون یا سیاست‌های کلی نظام و فرمان‌های رهبری

1. Evaluative Studies

۲. نتایج مطالعه به ضرورت ادامه روند مختلف توانمندسازی گفتمان عدالت ترمیمی در همه زمینه‌ها، خصوصاً برای خشونت‌های خانگی (CAVIF) اشاره دارد.

(Leonardo Alberto Rodríguez Cely**, Andrea Padilla Villarraga, Luz Stella Rodríguez, Fernando Díaz Colorado Artículo de investigación. Grupo de Investigación. Psicología Jurídica y Forense. Retos y Perspectivas. El estudio es subvencionado por la Vicerrectoría Académica de la Pontificia Universidad Javeriana. Recibido: 25 de enero de 2010 Revisado: 20 de febrero de 2010 Aceptado: 15 de abril de 2010).

تشکیل داده است (fellman, 2008: 140-145).

قانون اساسی به عنوان بنیادی‌ترین هنجار حقوقی هر کشور (کلسن، ۱۳۸۷: ۱۰۶)، علاوه بر تعیین اهداف، آرمان‌ها و راهبردهای کلی جهت‌دهنده به محتوای برنامه‌ها، در تعیین سایر ارکان آن نظام نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. از جمله تعیین شکل و بافت جغرافیایی حکومت و خانواده حقوقی هر کشور مندرج در قانون اساسی، تأثیر بسزایی بر جایگاه برنامه‌های نظام حقوقی آن کشور دارد (لاینرت، ۱۳۸۷: ۳۴).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز از نظر تعیین آرمان‌ها، اهداف و راهبردهای کلی برنامه‌ریزی، از غنای کافی برخوردار است و بالاترین هنجار نظام‌ساز برای برنامه‌ریزی محسوب می‌شوند، چراکه هم از لحاظ شکلی و هم ماهوی شاخص‌های متمایزی دارد.

بدون شک یافتن چالش‌های توسعه عدالت ترمیمی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به منظور حرکت از نظام حقوقی موجود به سمت نظام حقوقی مطلوب و برآمده از آموزه‌های تصالیحی - ترمیمی، در راستای تحقق اهداف عدالت کیفری از ضروریات و نیازمندی‌های امروز نظام سیاست جنایی کشورمان که مدعی داشتن مختصات تئوریک سیاست جنایی خاص مبتنی بر حکومت جمهوری اسلامی هست^۴، است.

از طرفی، در ساختار نظام سیاسی ایران (طراحی شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، هر

توجیه می‌دانند. اگرچه تاریخچه اخیر ثابت کرده که مداخلات عدالت ترمیمی توانسته با موفقیت بیشتر، در نقش یک نوآوری در ساختارهای عدالت کیفری سنتی عمل کند.

با این تفاسیر، در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی (۱۳۶۰ شمسی) تحت تأثیر یافته‌های بزه دیده‌شناسی، در ادبیات جرم‌شناسی آمریکایی - کانادایی، بحث‌هایی تحت عنوان «عدالت ترمیمی» به وسیله سیاست‌گذاران و اصلاح‌طلبان کیفری پدیدار شد که منجر به مفهوم‌سازی علمی - حقوقی اندیشه‌ای به نام «عدالت ترمیمی» شد.

در اکتبر سال ۲۰۱۸، کمیته وزرای شورای اروپا، به کشورهای عضو توصیه کرد که «مزایای بالقوه استفاده از عدالت ترمیمی در رابطه با سیستم‌های عدالت کیفری» را تشخیص داده و دیگر کشورها را به «توسعه و استفاده از عدالت ترمیمی» تشویق کنند^۵.

بر این اساس و در پی توصیه‌های مکرر، این پارادایم به سرعت به یک جنبش اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی تبدیل شد (Mark S: 2011: 67; Umbreit and Marilyn Peterson Armour).

واقع امر آن است که قانون اساسی هر کشوری، اساساً تجلی‌ظهور دیدگاه‌های سیاسی و قضایی - حقوقی یک ملت را در سطح ملی و بین‌المللی تشریح می‌کند. تنظیم روابط نهادی قدرت، تعریف مناسبات با بخش‌های تابع آن، بیان محدودیت‌ها و امکانات قدرت عمومی، در واقع بخش عمده‌ای از فلسفه وجود قوانین اساسی مدون را در سراسر جهان

۴. سیاست جنایی در حکومت جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر جمهوریت و وصف اسلامیت داشتن است، در مسیر تحقق سیاست جنایی از نوع مردم‌سالار دینی بوده که تأکید بر حل و فصل اختلافات، ترمیم روابط با زبان صلح، مشارکت حداکثری

3. Recommendation CM/Rec(2018)8 of the Committee of Ministers to member States concerning restorative justice in criminal matters. 3 October 2018. Retrieved 7 March 2019.

پژوهشی به عمل نیامده است؛ بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر، شناخت موانع و چالش‌های اندیشه عدالت ترمیمی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

پژوهش حاضر به روش تحلیلی - توصیفی، در سه قسمت نگارش شده است. در ابتدا به بیان کلیات اندیشه عدالت ترمیمی و سپس به چالش‌ها و محدودیت‌های در مسیر رسمی‌سازی این نوع از عدالت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در نهایت به بیان نتیجه‌گیری و پیشنهادات در رابطه با مباحث مطروحه پرداخته خواهد شد.

با بیان این مقدمات، انتظار می‌رود بتوان با کمک سیاست‌گذاران عمومی، با یک سیاست جنایی - تقنینی درست و منطقی در رویکرد با چالش‌های موجود در زمینه عدالت ترمیمی در اصول قانون اساسی، ضمن تعامل و نزدیکی دیدگاه‌ها و اقدامات با اصول محدودگرا و نهاد کنترل‌گر، از همه زمینه‌ها و بسترهای این نوع از عدالت که در اصول متعدد دیگری از قانون اساسی انعکاس یافته است، مسیر رسمی‌سازی عدالت ترمیمی را در راستای دست‌یابی به یک سیاست جنایی کارآمدتر و مطلوب‌تر تسهیل کرد.

۱. تعاریف، اصول و ویژگی‌های عدالت ترمیمی

۱.۱. تعاریف

در تعریف مفهومی «عدالت ترمیمی» می‌توان گفت که چگونه باید عدالت ترمیمی را برای طرفداران آن تعریف کرد؟ اصطلاح عدالت ترمیمی از واژگان «عدالت» و «ترمیم» شکل گرفته و تعریف استاندارد ندارد. عدالت ترمیمی یکی از بسیار

گونه نظریه‌ای تنها در صورت انطباق با اصول قانون اساسی، قابلیت رسمی‌سازی و اجرا را در کشور خواهند داشت (ترسیم نوعی ساختار خاص نظام حقوق کیفری).

مؤسسان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در قالب اصول متعددی از یک سو، از شماری از زمینه‌های عدالت ترمیمی سخن به میان آورده‌اند و از سوی دیگر، وجود برخی اصول، چالش‌هایی در راستای مطرح شدن برنامه‌ها و اهداف عدالت ترمیمی ایجاد کرده است. به عبارتی دیگر، در پهنه مقررات تقنینی و فراتقنینی نیز ماهیت و شکل عدالت ترمیمی مورد توجه قرار گرفته است.

پرسش‌های اصلی پژوهش: آیا در مسیر رسمی‌سازی گفتمان عدالت ترمیمی؛ مکانیسم اجرای اصول قانون اساسی از طریق وضع قوانین عادی، در رویکرد با اصول قانون اساسی با چالش تراحم مواجه هستیم؟ چالش‌های سیاست‌گذاری جنایی - تقنینی عدالت ترمیمی در مواجهه با اصول قانون اساسی کدامند؟ چگونه می‌توان در زمینه رسمی‌سازی عدالت ترمیمی در قوانین عادی هم از بسترهای موجود در قانون اساسی و هم در تراحم با استخوان‌بندی و چارچوب کلی امور در قانون اساسی با اصول و ویژگی‌های عدالت ترمیمی سیاست‌گذاری جنایی - تقنینی را طراحی کرد؟

پیشینه و روش تحقیق: در رابطه با توسعه گفتمان عدالت ترمیمی و رسمی‌سازی آن در نظام حقوقی ایران تاکنون مطالعات و پژوهش‌های متفاوتی توسط پژوهشگران این حوزه صورت گرفته است، ولی در رابطه با واکاوی چالش‌های مرتبط با عدالت ترمیمی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه

نهادهای مدنی و رویکردهای غیرکیفری دارد.

عدالت انسانی (Dorne, Clifford k, 2008: 166)، عدالت شفافبخش^۷، عدالت‌سازی، عدالت‌مصلح‌های، عدالت‌استرداد، عدالت‌افقی در مقابل عدالت‌تحمیلی و عمودی، (نیلز کریستی تعبیر خاصی دارد؛ او بیان می‌کند: عدالت‌ترمیمی به جای رابطه هر می، گفت‌وگو در سطح افقی را به وجود می‌آورد، چون در عدالت‌ترمیمی همه دور یک میز نشسته و گفت‌وگو می‌کنند (johanstone, 2002: 101).

همین‌طور برخی دیگر نیز برای توصیف آنچه سایرین عدالت‌ترمیمی می‌نامند، نام‌های دیگری برگزیده‌اند که این موضوع باعث سردرگمی بیشتر می‌شود.^۸

هوارد زهر، جرم‌شناس آمریکایی که به عنوان پیشگام در مفهوم مدرن عدالت‌ترمیمی در آمریکا و جهان شناخته می‌شود.^۹ در سال ۲۰۰۳ میلادی جایزه سالانه برقرارکننده صلح^{۱۰} را از انجمن حل و فصل اختلافات نیویورک و جایزه عدالت‌ترمیمی را از انجمن بین‌المللی زندان به خاطر نقش مؤثر در توسعه عدالت‌ترمیمی در سرتاسر جهان دریافت کرد.^{۱۱} وی عدالت‌ترمیمی را به طرز مشهوری در

as an "evolutionary response to crime which respects the dignity and equality of all people, promoting social harmony through recovery of victims, offenders, and communities".

۷. این اصطلاح را می‌توان برای اولین بار در کتاب فیلسوف حقوقی و متکلم والتر شنفلد یافت (Schönfeld, 1952).

۸. «عدالت‌ترمیمی» را انقلابی در عدالت‌کیفری، التیام و قرار گرفتن امور در جای خود، جایگزینی کینه و انتقام، تعهد و احساس دیدار زنده و حیات‌بخش می‌دانند (نیازمند، ندا؛ ۱۳۹۱، آسیب‌شناسی آموزه‌های عدالت‌ترمیمی و کودکان بزه‌دیده (حقوق ایران و انگلستان)، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، ص ۲۸).

9. Howard J. Zehr (born July 2, 1944) is an American criminologist. Zehr is considered to be a pioneer of the modern concept of restorative justice.

10. Annual Peace Builder award.

۱۱. غلامی، حسین؛ ۱۳۸۵، عدالت‌ترمیمی، سازمان مطالعه و

سازوکارهای عدالت، تحت چتر نوآورانه عدالت است (Kathleen Daly, 2015: 9-25). این نوع از عدالت، جرم و جنایت را به جای علیه دولت، علیه فرد یا جامعه می‌داند (Price, Marty, 2000: 8).

اصطلاح «عدالت‌ترمیمی» را می‌توان در زبان لاتین، ترجمه عبارت «Restorative justice» دانست که واژه «Restore»^۵ در زبان لاتین به معنای بازگرداندن وضع به حالت سابق است، یعنی حالت قبل از وقوع جرم دانست (بازگرداندن عدالت). قبل از ارتکاب جرم، یعنی سعی در برگرداندن وضعیت به حالتی که فرض اینکه جرمی هنوز اتفاق نیفتاده باشد، کسی متهم نبوده است، آسیبی به کسی وارد نشده است، تجاوز و تعدی به آنچه که حقوق جامعه و نظم عمومی می‌دانند، نیز نشده باشد.

باید اذعان داشت که عدالت‌ترمیمی از نظر تعریفی یک جنبش فکری است، اما فراتر از یک رشته مطالعاتی دانشگاهی است. در تعریف «عدالت‌ترمیمی» ضرورت دارد که قبل از بیان هر تعاریفی به مطرح کردن تعریفی که سازمان ملل از این گفتمان داشته است، اشاره کنیم.

سازمان ملل متحد (UN) «عدالت‌ترمیمی» را به عنوان یک پاسخ تکاملی به جرم و جنایاتی که (این پاسخ) به شأن و برابری همه مردم احترام می‌گذارد، ترویج هماهنگی اجتماعی از طریق ترمیم قربانیان، مجرمان و جوامع را تعریف می‌کند.^۶

عدالت‌ترمیمی دارای اوصافی متعددی مانند

۵. واژه «Restore» را در زبان فارسی به معنای ترمیم و التیام می‌دانند که صفتی است برای اصطلاح «justice» است.

6. Doris Maria Arias Madrigal, "RESTORATIVE JUSTICE PROGRAM IN CRIMINAL AFFAIRS" "In Circles we build protection", Poder Judicial, CONAMAJ, 2010, p. 22. «The United Nations (UN) defines Restorative Justice

بر این اساس و صرفاً به بنیادی‌ترین و متمایزترین ایده‌های این نوع از گفت‌وگو و اندیشه که در دو سند بین‌المللی؛ «اصول بنیادین عدالت ترمیمی»^{۱۳} و «اصول بنیادین به‌کارگیری برنامه‌های عدالت ترمیمی در امور کیفری»^{۱۴}، انعکاس یافته و در رویکرد با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با چالش رسمی سازی در قوانین عادی مواجهه هستند، می‌پردازیم. این اصول و ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

- عدالت ترمیمی فرایندمحور است.

- عدالت ترمیمی در جست‌وجوی التیام بخشیدن و راست گرداندن امور ناصواب است (خارج از سیستم رسمی دادگستری)^{۱۵}.

محرم‌انگی بودن فرایندهای عدالت ترمیمی^{۱۶}، تمامی مذاکرات و گفت‌وگوها در فرایند ترمیمی، محرمانه و قابلیت استناد ندارند (محرم‌انگی بودن)^{۱۷}. اصولاً بر اساس اسناد سازمان ملل، در این زمینه تمام مذاکرات و گفت‌وگوها باید در فرایند ترمیمی محرمانه و قابلیت استناد نداشته باشند.

۲. زمینه‌های عدالت ترمیمی در قانون اساسی ایران

متن قانون اساسی دارنده قواعد کلی است که مبانی و ارزش‌های حاکم بر نظام سیاسی کشور را

کتاب کوچک خود به نام عدالت ترمیمی^{۱۲} این گونه تعریف می‌کند: «تفکر ترمیمی «تغییر لنزها» و نوید انقلابی در ایده عدالت را دارد.» (Zehr: 1990).

در بیان مفهوم عدالت ترمیمی به نظر نگارندگان این پژوهش، می‌توان گفت که در واقع عدالت ترمیمی بیانگر بازگشت به سازوکارها و یا سنت‌های جوامع قدیمی است، اما این موضوع امری بدیهی است که آن سازوکارها دیگر طبیعتاً برای جامعه سنتی - قبیله‌ای قدیم که مبتنی بر مسئولیت مشترک اجتماعی بنا بودند، طراحی و شکل گرفته بودند.

اما ما در دنیای مدرن امروزی دیگر نمی‌توانیم عیناً همان سازوکارهای سنتی را به رسمیت بشناسیم. اکنون دیگر برای جامعه محلی پذیرش چنین سازوکارهایی سخت و غیرممکن خواهد بود. در واقع می‌توان گفت عدالت ترمیمی بازتعریف همین سازوکارهای سنتی و پیوند آن‌ها با نظام عدالت کیفری مدرن و توسعه یافته است.

۲.۱. اصول و ویژگی‌های بنیادین عدالت ترمیمی

اصول و ویژگی‌های بنیادین عدالت ترمیمی را می‌توان در دو حوزه کلان مطالعه کرد. یکی اصول و ویژگی‌های ناظر به نوع نگرش نسبت به جرایم و دیگری هم اصول مربوط به سهامداران پدیده بزهکاری است.

طرفداران عدالت ترمیمی در ایران همواره دغدغه این مسئله را دارند که مبدا در سیاست‌گذاری‌های جنایی - تقنینی، به نحو مطلوبی به این اصول و ویژگی‌ها در رویکرد با اصول قانون اساسی توجه کافی نشود.

تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، تهران، چاپ اول، ص ۱۲۸.
 12. "The Book of The Little Book of Restorative Justice" Howard Zehr with Ali Gohar Uni-Graphics.

13. Fundamental Concepts of Restorative Justice (FCRJ).

14. Basic principles on the use of restorative justice programmes in criminal matters, ECOSOC Res. 2000/14, U.N. Doc.E/2000/INF/2/Add.2 at 35 (2000). 15. 3-0 : (FCRJ).

16. 14. Discussions in restorative processes that are not conducted in public should be confidential, and should not be disclosed subsequently, except with the agreement of the parties or as required by national law (ECOSOC Resolution 2002/12).

17. 14 : (ECOSOC Resolution 2002/12).

بیان می‌کند (جعفری ندوشن، ۱۳۸۵: ۹۲). در واقع عموماً قواعد بنیادین و استخوان‌بندی و چارچوب کلی امور در قانون اساسی ترسیم می‌شود و ذکر جزئیات در شأن قانون اساسی نیست (زرنگ، ۱۳۸۴: ۳۴). این اقتضای قانونی است که در رأس سلسله مراتب هنجارهای نظام حقوقی قرار دارد و باید در مورد جهت‌گیری قوانین و مقررات متعدد در حوزه‌های مختلف ارائه طریق کند (قاضی، ۱۳۷۵: ۱۰۹).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص رعایت حقوق بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه، در تأکید بر حل و فصل اختلافات، پیشگیری و اصلاح مجرمین و غیره، توجه ویژه‌ای به بسترهای اسلامی - فقهی موجود و اسناد بین‌الملل و منطقه‌ای داشته است، به طوری که چندین اصل زرّین از اصول خود (اصول ۲، ۳۹، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۱۰ و ۱۷۱) را به اندیشه‌های خاص مورد قبول عدالت‌ترمیم‌مدار اختصاص داده است (توجه به جایگاه عدالت‌ترمیمی).

اخیراً در نظام حقوق کیفری ایران این بسترها توانسته‌اند به شکل کمینه‌خواه و تا حدودی به شکل ناقص، به تسهیل و رسمی‌سازی گفتمان عدالت‌ترمیمی در قالب اجرای تأسیسات حقوقی ترمیم‌مدار و شیوه‌هایی همچون نهادهای حل اختلاف، داوری، میانجیگری، صلح میان طرفین و قوانین ترمیم‌مدار کمک کنند^{۱۸}.

۳. چالش‌های عدالت‌ترمیمی در رویکرد با اصول قانون اساسی ایران

سیاست‌گذاران و مدیران عدالت کیفری باید بدانند که در قانون اساسی با وصف زمینه‌های موجود، از یک طرف الزامات محدود‌گرایی قابل توجهی

در زمینه چارچوب و قواعد حاکم بر نظام حقوق کیفری ایران نیز وجود دارد که این الزامات، اجرای قواعد لازم‌الاجرائی را ایجاب می‌کند که در نتیجه راهکارهای رسمی‌سازی عدالت‌ترمیمی را با موانعی جدی روبه‌رو خواهد کرد و از طرف دیگر، عدالت‌ترمیمی نیز در مسیر رسمی‌سازی در رسیدگی به اختلافات ناشی از جرم توان زیر پا گذاشتن اصول حقوقی را ندارد. این الزامات محدود‌گرا (چالش‌ها)، که بیشتر حول اصول ۴، ۳۲، ۱۵۶، ۱۶۳ و ۱۶۵ قانون اساسی وجود دارند، در ادامه آمده‌اند.

۱.۳. ضرورت انطباق کلیه قوانین و مقررات با «موازین اسلامی»

یکی از اصول حقوقی پذیرفته‌شده در نظام‌های حقوقی نوشته، اصل سلسله مراتب قواعد و هنجارها و عدم مغایرت قواعد فروتر با محتوای قواعد و هنجارهای فراتر است (قاضی، ۱۳۸۳: ۱۱۱). در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز با پذیرش این اصل، بر عدم تعارض کلیه قوانین و مقررات با موازین شرعی تأکید شده است. بر این اساس، لازم است تمامی نهادهای قانون‌گذار و مقررگذار در نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس مفاد «موازین اسلامی» به تولید هنجار حقوقی اقدام کنند (اسماعیلی و امینی‌پژوه، ۱۳۹۳: ۱۸).

در این راستا، شورای نگهبان نقش بی‌بدیلی در حفظ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارد. در نظام حقوقی ایران، قوانین عادی به عنوان هنجار فرودست نسبت به سیاست‌های کلی نظام شناخته می‌شوند (زارعی، ۱۳۸۳: ۳۳۰؛ موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۶؛ انصاری، ۱۳۸۵: ۱۸۴؛ امیر ارجمند، ۱۳۸۰: ۳۷۸).

۱۸. مواد ۱ و ۸۲ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲. مواد ۴۰، ۴۶، ۵۶، ۵۸، ۶۴... از قانون مجازات اسلامی مصوب

۱۳۹۲ و تدوین آیین‌نامه میانجیگری هیأت وزیران مصوب ۱۳۹۵.

با آنکه روش‌های غیررسمی اقلیت‌ها در باب حل و فصل اختلافات، ثمربخش بوده و عامل پیشگیرانه در بروز درگیری‌های قومی و قبیله‌ای محسوب می‌شود، در بسیاری از موارد به دلیل کثرت‌گرایی فرهنگی موجود، مخالفت با فرهنگ اکثریت و موازین شرعی مورد پذیرش واقع نمی‌شود.

ما در دنیای مدرن دیگر نمی‌توانیم عیناً همان سازوکارهای قدیمی را به کار گیریم؛ بنابراین وقتی می‌گوییم «مفهومی جدید»^{۲۰}، منظور بازتعریف سازوکارهای قدیمی است و در ایران، منظور سازگاری تصمیمات و توافقات ترمیمی بر اساس «موازین اسلامی» است.

اصولاً ماهیت گفتمان عدالت ترمیمی خلاف شرع نیست، ولی متأسفانه در نظام دادرسی ترمیمی در ایران به نظر می‌رسد با توجه به تنوع فرهنگی برخی نقاط ایران هنوز رگه‌هایی از توافقات ترمیمی منهای موازین اسلامی وجود داشته باشد. توافقاتی که هرچند برخاسته از عنصر به ظاهر «رضایت»^{۲۱} در بین سهامداران عدالت‌کفیری بوده، ولی متأسفانه توجهی به حاکمیت شرع بر آن‌ها وجود ندارد و چنانچه بخواهیم حاکمیت موازین شرعی را بر این نوع توافقاتی لحاظ کنیم، با چالش‌های متعددی، در کاربست این نوع برنامه‌ها مواجه شویم: عدم تناسب در توافقات شکل گرفته، عدم رعایت اصل قانونی بودن در جبران خسارات، عدم رعایت اصل شخصی بودن و غیره، موضوعاتی هستند که در توافقات ترمیمی تا حدودی نادیده گرفته می‌شوند.

به طور کلی ما نمی‌توانیم بر کلیه توافقات ترمیمی «موازین شرعی» لحاظ کنیم، ضمن اینکه از طرفی،

قانون‌گذار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمان تصویب اصل چهارم قانون اساسی، در مقام بیان تضمین عالی‌ترین هنجار حقوقی کشور بوده است. تصریح به بیان عبارت یا قید «موازین اسلامی» در اصل چهارم ق.ا.ج.ا.^{۱۹}، تأکیدی بر ضرورت اسلامی بودن کلیه قوانین و مقررات (تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و سایر اعمال اداری) بوده است.

شورای نگهبان در یک نظر تفسیری در این راستا اعلام داشته که به طور اطلاق کلیه قوانین و مقررات باید در تمامی زمینه‌ها مطابق «موازین اسلامی» باشد و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است. مهم‌ترین رسالت و صلاحیت شورای نگهبان در قانون اساسی، پاسداری از دو هنجار برتر نظام جمهوری اسلامی ایران، یعنی شرع و قانون اساسی است. بدون شک هر پدیده نوظهور و دستاورد جدید بشری (همچون اندیشه‌های جرم‌شناسی نوین)، بایستی در محک با قواعد و مقررات شرعی، مهر تعارض نخورد تا قابلیت رسمی‌سازی در قوانین عادی کفیری را داشته باشد.

ما در اسناد سازمان ملل، عدالت ترمیمی را مفهومی جدید برای سازوکارهای سنتی و قدیم می‌یابیم. به کارگیری برخی سازوکارهای عدالت ترمیمی به همان شکل سنتی تا حدودی با موازین اسلامی و حقوق بشری هم‌خوانی نداشته و ما باید آن‌ها را حذف و یا مدرن‌سازی کنیم (به عنوان مثال اینکه خانواده قاتل باید دختر را به خانواده مقتول بدهند «ازدواج‌های اجباری»)، موضوعی است که هم خلاف موازین اسلامی و هم خلاف شرع است.

۱۹. اصل ۴ ق.ا.ج.ا.ا. مقرر می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

20. New Concept
21. Consent

دستیابی به هر کدام از اهداف پنج‌گانه مطرح‌شده، از جمله پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین را دستگاه قوه قضائیه می‌داند. این در حالی است که فرایندهای اجرای عدالت ترمیمی متعلق به جامعه محلی (سیستم غیررسمی) است (بند ۳-۴ اصول بنیادین عدالت ترمیمی) و رسیدگی‌ها در خارج از قوه قضائیه شکل می‌گیرد^{۲۳}؛ بنابراین هر گونه رسمی‌سازی گفتمان عدالت ترمیمی با این تفکر که فرایندهای اجرای ترمیمی باید منبعث از سرچشمه‌های اجتماعی (تقویت نقش اجتماع) باشند، در تقابل با اصل یادشده که تأکید بر مدیریت، طراحی و شکل‌گیری در اختیار قوه قضائیه دارد، بوده می‌تواند مانع از رسمی‌سازی این نوع اندیشه شود. در آیین‌نامه‌های میانجیگری اختیار کاملاً در اختیار قوه قضائیه بوده و این موضوع می‌تواند فرایندهای ترمیمی را از اهداف آن دور کند.

در آیین‌نامه میانجیگری در امور کیفری (۹۵/۷/۲۸ هیأت محترم وزیران) متأسفانه به استناد تأثیرات اصل مذکور، دخالت و مدیریت قوه قضائیه در امور مربوط به میانجیگری در مواد متعددی از آیین‌نامه میانجیگری کاملاً مشهود است. از آموزش میانجی‌گرها (تبصره ۱ و ۴ ماده ۱۲ آیین‌نامه

در رسمی‌سازی این نوع اندیشه، توجه به انطباق «موازین اسلامی» بر همه اعمال و توافقات ترمیمی امری ضروری است.

بدون شک، تخطی مجلس شورای اسلامی از صلاحیت خویش در قانون‌گذاری، به دلیل عدم انطباق مصوبات فاقد شرایط و ویژگی قانونی، به معنای دقیق کلمه، شورای نگهبان را به عنوان نهاد کنترل‌کننده مصوبات مجلس شورای اسلامی، محق می‌سازد تا با استناد به مغایرت مصوبه با اصل ۷۱ ق.ا.ج.ا، (با تأکید بر عبارت «وضع قانون»)، اقدام به رد مصوبات مزبور کند (کوهی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۱۶).

۲.۳. قوه قضائیه، عهده‌دار مدیریت و نظارت بر نهادهای ترمیمی

مهم‌ترین اتفاق با ظهور دولت‌ها، جابه‌جایی عدالت از اجتماع به دولت و به اصطلاح تبدیل عدالت خصوصی به عدالت عمومی بوده است. در ابتدا دولت‌ها مدعی نوعی مشارکت در اجرای عدالت بودند، سپس ادعای مالکیت کردند (مصادره عدالت) و در پایان امپراتوری خود را بر کلیه فرایندهای وضع قانون، تعریف جرم، تعیین مجازات و اجرای آن گسترش دادند.

سیطره دولت بر عرصه عدالت کیفری و کلیه فرایندهای آن، از قانون‌گذاری تا اجرا، چنان پایدار شده که حتی بسیاری از متخصصان حقوق کیفری نیز اجرای عدالت در امور کیفری را جز از طریق دولت امکان‌پذیر نمی‌دانند و این وضعیت تا حدود زیادی تا حال حاضر نیز ادامه یافته است (غلامی، ۱۳۹۳: ۶۴-۶۱).

اصل ۱۵۶ ق.ا.ج.ا،^{۲۴} تنها مرجع صالح برای

۲۲. اصل ۱۶۵ ق.ا.ج.ا، چنین مقرر می‌دارد: «قوه قضائیه قوه‌ای

است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل‌وفصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند.
۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.
۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین.
۴. کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.
۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین».

۲۳. بزرگ‌ترین کنفرانس جامعه محلی در رابطه با عدالت ترمیمی، در تاریخ ۱۹۹۰ و در جریان مصالحه مصالح‌های که به پایان یافتن خون‌ریزی میان آلبانیایی‌های قومی در کوزوو انجامید، برگزار شد که بین صد هزار تا پانصد هزار شرکت‌کننده در آن شرکت داشتند.

از مؤلفه‌های مهم دادرسی منصفانه و حقی از حقوق بشر در دعاوی کیفری محسوب می‌شود که استثنائات آن محدود و محصور شده است.

بر اساس اصل مذکور، اصل بر علنی بودن محاکمات (مطلق محاکمات و شمول مراحل محاکمات) است و محاکمات غیر علنی جنبه استثنایی دارد. از این رو، در صورت تردید در صورت علنی یا غیر علنی بودن محاکمه، باید جانب اصل را و نه جانب استثنا را گرفت.

در مقابل، برخلاف اصل کلی علنی بودن دادرسی در سیستم دادگستری رسمی و دولت‌گرا، قاعده کلی حاکم بر شیوه‌های دادرسی در سیستم عدالت غیررسمی (عدالت ترمیمی) همانند مذاکره، میانجیگری، صلح و سازش میان طرفین و غیره بر خصوصی و محرمانه بودن رسیدگی‌هاست.

به عبارت دیگر، در این شیوه‌ها، اشخاص دیگر غیر از طرفین دعوا، جز با اجازه طرفین حق حضور ندارند و نمی‌توانند همانند دادرسی دادگاه‌های دولتی نظاره‌گر دعوای طرفین باشند. علاوه بر آن، انتشار جریان رسیدگی و افشای اطلاعات و اسناد ارائه‌شده در طول رسیدگی چه از سوی طرفین اختلاف و چه از سوی بعضی اشخاص مرتبط با جریان رسیدگی، با محدودیت‌ها و گاه ممنوعیت‌هایی روبه‌رو است.

اندیشه‌های ترمیمی چون بر ارزش‌های اساسی انسانی استوارند، مبتنی بر محرمانه بودن هستند. «داشتن صدا» و داشتن فرصت «گفتن داستان خود» در یک گفت‌وگوی محترمانه یکی از جنبه‌های سودمند مداخلات ترمیمی است. تمامی مذاکرات و گفت‌وگوهای در فرایند ترمیمی محرمانه

می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

مذکور) تا مدیریت امور مربوط به میانجیگری زیر نظر دادستان یا رئیس قوه قضائیه (ماده ۲ آیین‌نامه میانجیگری) و همین‌طور نظارت بر فعالیت مؤسسات میانجیگری و تشکیل دفتر امور میانجیگری در قوه قضائیه (ماده ۱۳ آیین‌نامه میانجیگری)، کاملاً اختیار در دست قوه قضائیه بوده و این نوع مدیریت‌ها در حوزه عدالت ترمیمی با آنچه که در اصول بنیادین عدالت ترمیمی مطرح شده است، سازگاری ندارد.

در قانون شوراهای حل اختلاف مورخه ۱۳۹۴/۹/۱۰ نیز مدیریت این شوراها تحت اختیار قوه قضائیه است و در مواد متعددی بر این موضوع تأکید شده (مواد ۱، ۳، ۵ و ...) که بارزترین مورد دخالت قوه قضائیه در شوراها را می‌توان در ماده نخست از قانون شوراها دانست که تأکید بر تشکیل شوراهای حل اختلاف تحت نظارت قوه قضائیه دارد.

به نظر می‌رسد باید قانون‌گذار عادی در این راستا سطح تعامل با نهادهای کنترل‌گر «شورای نگهبان» را در جهت طراحی و واگذاری مدیریت دادرسی‌های ترمیمی به جامعه محلی از طریق اصلاح قوانین عادی کیفری و یا تدوین قوانین جدیدالتأسیس کیفری و نیز آیین‌نامه‌های مربوطه افزایش دهد.

به طور کلی می‌توان ادعا کرد در تمامی نهادهای تأسیسی ترمیمی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مدیریت این نوع نهادهای ترمیمی به طور مطلق در اختیار قوه قضائیه بوده است.

۳.۳. اصل علنی بودن دادرسی

در اصل ۱۶۵ ق.ا.ج.ا.^{۲۴}، بر «اصل علنی بودن دادرسی» تأکید شده است. از نگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، علنی بودن دادرسی یکی

۲۴. اصل ۱۶۵ ق.ا.ج.ا.، مقرر می‌دارد: «محاکمات، علنی انجام

را (عدالت ترمیمی)، فرایندمحور و نه نتیجه‌محور می‌خوانند و مرتب در تعاریف صورت گرفته، عدالت ترمیمی را نیز مبتنی بر یک «اعطای فرصت» تعریف کرده‌اند (Rebecca Webber, 2009: 6).

بنابراین یکی از قواعد مهم عدالت ترمیمی فرایند محوری و زمان‌بر بودن آن است. (به سهامداران فرصت داده می‌شود تا برای حل و فصل اختلافات برنامه‌ریزی کنند). مهم‌ترین راهبردها یا روش‌های اجرای عدالت ترمیمی همچون روش میانجیگری، کنفرانس‌های گروهی خانوادگی یا نشست‌ها، هیئت‌های قضا‌دایی - ترمیمی جامعه محلی و محافل یا حلقه‌های بزه‌دیده - بزه‌کار هستند، که کم و بیش در قلمرو نظام‌های حقوقی کشورهای مختلفی مورد استفاده و ارجاع واقع شده‌اند، این شیوه‌های اجرای برنامه‌های ترمیمی نیازمند به زمان هستند (دادرسی ترمیمی را نمی‌توان تسریع داد).

از طرفی در اصل ۳۲ ق.ا.ج.ا.^{۲۶}، بر تسریع در محاکمات^{۲۷} تأکید داشته شده است. بر اساس این اصل، باید «مقدمات محاکمه در اسرع وقت» فراهم شود. هرچند واژه «محاکمه» بیشتر در دادرسی‌های رسمی به کار می‌رود، ولی در طیف گسترده‌ای از جرایم (جرایم تعزیری درجات ۶، ۷ و ۸ که مجازات آن‌ها قابل تعلق دانسته شده است) بر اساس قوانین عادی کیفری در ایران موضوع فرایند محوری گفتمان عدالت ترمیمی توانسته است در تطابق با اصل تسریع در محاکمات، شکل تا حدودی

۲۶. اصل ۳۲ ق.ا.ج.ا. مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم شود. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

27. Speed Trial

و قابلیت استناد ندارند «محرمانگی بودن؛ بند ۱۴ اصول بنیادی به‌کارگیری برنامه‌های عدالت ترمیمی در امور کیفری^{۲۵}».

«بحث‌ها و گفت‌وگوها در فرایندهای ترمیمی که به صورت همگانی یا علنی برگزار می‌شود، باید محرمانه باشند و نباید در آینده فاش شوند، مگر با توافق طرف‌ها یا به اقتضای قانون داخلی.»

در نظر داشتن اصل بر علنی بودن دادرسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند همواره به عنوان یک چالش در دادرسی‌های ترمیمی (خصوصاً زمانی که دادرسی‌های ترمیمی به بن‌بست بیانجامد) خود را نشان دهد.

سهامداران عدالت ترمیمی در صورت علنی بودن دادرسی، رضایت به حضور و مشارکت در دادرسی‌های ترمیمی را به سختی اعلام می‌دارند، چراکه نگران افشای اظهارات مطرح‌شده خود در سیستم دادرسی ترمیمی هستند. ترس از ناکامی در اجرای یک توافق به‌دست‌آمده و بازگرداندن پرونده به فرایند عدالت کیفری رسمی و استناد به اظهارات و اقرار مطرح‌شده سابق، از سوی ضابطین، سهامداران و غیره، نزد مقامات سیستم رسمی دادگستری (قضات کیفری)، محدودیت‌های قابل توجهی را در ورود به فرایندهای ترمیمی می‌تواند موجب شود. نباید ناکامی در اجرای یک توافق و استناد به اظهارات طرفین دعوا، به منزله توجیهی برای یک محکومیت سنگین‌تر در رسیدگی‌های پسین عدالت کیفری بهانه کرد.

۴.۳. اصل تسریع در محاکمات

متخصصین حوزه عدالت ترمیمی این اندیشه

25. 14: (ECOSOC Resolution 2002/12).

تعدیل شده‌ای به خود بگیرد.

در ماده ۸۲ از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مهلت‌های سه ماهه و همچنین قابل تمدید دانستن برای فقط یک‌بار دیگر این میزان مدت، در راستای تعامل دستگاه نظارتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با این رویکرد قانون‌گذار عادی کیفری دانست.

به هر حال نظر نگارنده بر این است که این «محدودیت‌های زمانی» در نظر داشته شده در ماده ۸۲ از قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه میانجیگری باید برداشته شود و فرایند دادرسی ترمیمی باید به لحاظ زمانی تا زمان دست‌یابی به توافق طرفین (با رضایت سهامداران کیفری)، پرونده در مؤسسات میانجیگری و با غیره که متولی اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی هستند، باقی بماند که در این صورت با محدودیت خاصی به نام «اصل تسریع در محاکمات» روبه‌رو خواهیم شد.

اصل «تسریع در محاکمات» با الهام از آموزه‌های اصل ۳۲ ق.ا.ج.ا،^{۱۱} توانسته است در قوانین عادی کیفری، از جمله در مواد ۳، ۵، ۳۵، ۸۹ و غیره از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، با به‌کارگیری واژگانی همچون «کوتاه‌ترین مهلت»، «اسرع وقت»، «فوری» و ...، رسمی‌سازی و مورد تأکید قرار داشته شده است.

قوانین شکلی کیفری موجود می‌تواند ایجاد فرصت‌هایی که برای گفت‌وگوها و نشست‌های ترمیمی ضرورت دارد را با چالش مواجه کند و حتی می‌تواند تهدیدی برای قضات در رابطه با محکومیت‌های انتظامی باشد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

عدالت ترمیمی نوعی از عدالت و مبتنی بر

ارزش‌های اساسی انسانی مانند همبستگی، مسئولیت‌پذیری، احترام به کرامت انسانی، شمول و حقیقت است. این نوع از عدالت با وجود انتقادات وارد بر آن (الگوی ناقص)، همچنان پاسخی فرابانده‌تر به جرم و در راستای تحقق بیشتر اهداف عدالت کیفری همچون کاهش هزینه‌های عدالت کیفری، کاهش جمعیت کیفری زندانیان، پیشگیری از تکرار جرم، توجه به بزه‌دیدگان، عدم طرد بزه‌کاران و غیره، از ضروریات و نیازمندی‌های امروز نظام سیاست جنایی کشورمان محسوب می‌شود.

واقعیت مسلم آن است که در نظام حقوقی ایران اندیشه رسمی‌سازی آموزه‌های ترمیمی با چالش‌های تقنینی، قضایی و مشارکتی متعددی روبه‌رو است. به طوری که قانون‌گذاری کیفری با اندیشه‌های ترمیم‌مدار، قطعاً مستلزم شناخت چالش‌ها و نوع تعامل با آن‌ها در مسیر قانون‌گذاری هستند.

ما اگر بخواهیم چالش‌های موجود را در مسیر رسمی‌سازی عدالت ترمیمی برداریم، باید عوامل تأثیرگذار (محدودکننده برنامه‌های ترمیمی) بر این نوع اندیشه را ابتدا در قوانین رسمی عالی بشناسیم و در مرحله بعد تلاش کنیم اصلاحاتی در رفع این نوع محدودیت‌ها در زمینه‌های تأثیرگذار به وجود آوریم [در سیاست جنایی - تقنینی (اصلاح مدل‌های کیفری ترمیمی محور)، سیاست جنایی قضایی (مرتبط با کنشگران کیفری)، سیاست جنایی مشارکتی - اجرایی (دخاله جامعه محلی، فرهنگ‌سازی و غیره)].

یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که سیاست‌های انعکاس‌یافته در برخی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موجب شده است تا در کنار جایگاه این نوع از اندیشه، اجرای سیاست‌های ترمیمی در فرایند رسمی‌سازی را با چالش قانون

اصول و استانداردهای اخلاقی رعایت گردیده است.

حامی مالی

مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول، گروه در گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه است.

مشارکت نویسندگان

هر سه نویسنده در طراحی، اجرا، نگارش و نهایی‌سازی نوشته و منابع این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

اساسی ببینیم؛ بنابراین برای برون‌رفت از بن‌بست‌ها و چالش‌های مبنایی موجود باید اقدامات ذیل را عملیاتی ساخت:

از طریق راهبردها و برنامه‌های عدالت ترمیمی تصریح‌شده در خود قانون اساسی (برجسته‌سازی جایگاه عدالت ترمیمی انعکاس‌یافته در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، با چالش‌های موجود تعاملی نزدیک و فراگیر (با اصول مربوطه و نهاد کنترل (شورای نگهبان) ایجاد کرد تا بتوان فرایندهای ترمیمی را با وضع قواعد و حداقل استانداردهای قانونی رسمی‌سازی کرد، جنبه حقوقی داد و در قوانین کیفری گنجانده. باید یک همکاری با روابط عمومی مؤثر بین سیاست‌گذاران و مدیران دستگاه عدالت کیفری و مجریان قانون اساسی در درک بهتر برای رسمی‌سازی این نوع عدالت ایجاد کرد.

سیاست سخت‌گیرانه در رویکرد با چالش‌ها، اجرای شتاب‌زده - نسنجیده، کوتاه‌مدت، غیرعلمی و به دور از استانداردهای تعریف‌شده (اصول و ویژگی‌های عدالت ترمیمی)، عدم حمایت‌های تقنینی - مشارکتی و اجرایی، عدم به‌کارگیری نظرات متخصصین و غیره، نه تنها اهداف تعریف‌شده در راستای گفتمان عدالت ترمیمی را برآورده نمی‌سازد، بلکه خروجی آن چیزی جز سرخوردگی و متروک گذاشتن این اندیشه ارزشمند در سیاست جنایی کشورمان نخواهد بود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این مقاله به دلیل ساختارش، فاقد کد اخلاق است. در نگارش و تدوین این مقاله، پایبندی به تمامی

منابع فارسی

- ملک‌محمدی، ح. ر. (۱۳۹۷). سیاست‌گذاری عمومی. تهران: میزان.
- نیازمند، ن. (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی آموزه‌های عدالت‌ترمیمی و کودکان بزه‌دیده (حقوق ایران و انگلستان). تهران: انتشارات گنج دانش.
- هوارد، ز. (۱۳۸۸). کتاب کوچک عدالت‌ترمیمی. ترجمه غلامی، ح. تهران: انتشارات مجد (مجمع علمی و فرهنگی مجد).
- انصاری، م. (۱۳۸۵). جایگاه سیاست‌های کلی در نظام قانون‌گذاری در ایران. همایش یکصدمین سال قانون‌گذاری. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- اسماعیلی، م. و امینی‌پژوه، ح. (۱۳۹۴). معناشناسی برخی از هنجارهای اسلامی در قانون اساسی با محوریت مفهوم موازین اسلامی. فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۴(۱۱)، صص ۴۲-۱. <http://ensani.ir/file/download/article/20170830164400-9833-61.pdf>
- زرنگ، م. (۱۳۸۴). سرگذشت قانون اساسی در سه کشور ایران، فرانسه و آمریکا. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اشتریان، ک. (۱۳۹۶). سیاست‌گذاری عمومی در ایران. تهران: میزان.
- جعفری ندوشن، ع. ا. (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی کارویژه‌های شورای نگهبان در ایران، فرانسه و آمریکا، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شیری، ع. (۱۳۹۷). سیاست‌گذاری جنایی درباره حقوق بزه‌دیدگان. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۴(۱)، ۱۷۰-۱۵۶. https://jppolicy.ut.ac.ir/article_66854.html
- غلامی، ح. (۱۳۹۰). عدالت‌ترمیمی. تهران: سمت.
- غلامی، ح. (۱۳۸۵). عدالت‌ترمیمی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- قاضی، س. ا. (۱۳۷۵). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: دادگستر.
- قاضی، س. ا. (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: میزان.
- کوهی اصفهانی، ک. (۱۳۹۱). صلاحیت مجلس شورای اسلامی در امر تقنین؛ مطلق یا مقید؟ فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، ۲(۲)، ۹۷-۱۲۲. <http://ensani.ir/file/download/article/20130807170644-9833-11.pdf>
- کلسن، ه. (۱۳۸۷). نظریه حقوقی ناب (مدخلی به مسائل نظریه حقوقی)، ترجمه نعمت‌اللهی، ا. تهران: سمت.
- لایبنت، ی. (۱۳۸۷). بودجه‌ریزی در جهان، چارچوب حقوقی نظام‌های بودجه‌ای (مطالعه تطبیقی)، ترجمه خاکباز، ا. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

References

- Ashtarian, K. (2017). [*Public Policy in Iran* (Persian)]. Tehran: Mizan Publishing. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=1160241&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Ansari, M. (2007). [The place of general policies in the Iranian legislative system (Persian)]. Paper presented at: The Conference on the 100th Year of Legislation, Tehran, Iran.
- Braithwaite, J. (2001). Restorative justice and a new criminal law of substance abuse. *Youth & Society*, 33(2), 227-48. [DOI:10.1177/0044118X01033002005]
- Council of Europe. (2018). Promoting more humane and socially effective penal sanctions: Adoption by the Committee of Ministers of the Recommendation CM/Rec(2018) 8 concerning restorative justice in criminal matters. Retrieved from https://www.coe.int/en/web/prison/home/-/asset_publisher/ky2olXXXogcx/content/recommendation-cm-rec-2018-8?inheritRedirect=false
- Daly, K. (2016). What is Restorative Justice? Fresh answers to a vexed question. *Victims & Offenders*, 11(1), 9-29. [DOI:10.1080/15564886.2015.1107797]
- Dorne, C. K. (2006). *Restorative justice in the United States: An introduction*. New Jersey : Pearson Prentice Hall. https://www.google.com/books/edition/Restorative_Justice_in_the_United_States/NYWSAAAA-CAA?hl=en
- Fellman, D. (1958). Constitutional law in 1956-1957. *American Political Science Review*, 52(1), 140-191. [DOI:10.2307/1953019]
- Ghazi, S.A. (1996). [*Constitutional rights requirements* (Persian)]. Tehran: Dadgoštar Publication. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=565091&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author#
- Ghazi, S. A., & Panahi, Sh. (2004). [*Constitutional law and political Institutions* (Persian)]. Tehran: Mizan Publishing. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=736435&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Gholami, H. (2011). [*Restorative justice* (Persian)]. Tehran: SAMT. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=2715185&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Gholami, H. (2006). [*Restorative justice* (Persian)]. Tehran: SAMT. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=1009330&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Howard, Z. (2009). *Restorative justice booklet* [H. Gholami, Persian trans.]. Tehran: Majid. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=1949603&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Ismaili, M., & Amini Pjoh, H. (2015). [Semantics of some Islamic norms in the constitution with the focus on the concept of Islamic norms (Persian)]. *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, 4(11), 1-24. http://mag.shora-rc.ir/article_70.html
- Jafari Nodoshan, A. A. (2006). [*A comparative study of the special work of the Guardian Council in Iran, France and the United States* (Persian)]. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. <https://www.gisoom.com/book/1385643/>
- Kelsen, H. (2008). *Pure legal theory: An introduction to legal theory* [E. Nematollahi, Persian trans.]. Qom: SAMT. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=1018855&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Kuhi Esfahani, K. (2013). [Competence of Islamic Consultative Assembly (Parliament) in legislation; absolute or constrained? (Persian)]. *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, 1(2), 93-117. http://mag.shora-rc.ir/article_12.html
- Lienert, I. (2008). *Budgeting in the world; Legal framework of budget systems : Comparative study* [A. Khakbaz, Persian trans.]. Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=1693141&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Marsavelski, A., Sheremeti, F., & Braithwaite, J. (2018). Did nonviolent resistance fail in Kosovo? *The British*

- Journal of Criminology*, 58(1), 218-236. [DOI:10.1093/bjc/azx002]
- Marshall, T. F. (1999). *Restorative justice an overview*. London: Home Office. https://www.google.com/books/edition/Restorative_Justice/8QqgAAAACAAJ?hl=en
- Maruna, S. (2016). Desistance and restorative justice: It's now or never. *Restorative Justice*, 4(3), 289-301. [DOI:10.1080/20504721.2016.1243853]
- Niazmand, N. (2012). [*Injured Children and the Pathology of the Teachings of Restorative Justice (Iranian and British Law)* (Persian)]. Tehran: Ganj-e-Danesh. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=2776078&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- RAN Working Groups, European Forum for Restorative Justice. (2019). The role of restorative justice in preventing and responding to violent extremism. Retrieved from https://ec.europa.eu/home-affairs/what-we-do/networks/radicalisation_awareness_network/ran-papers/ran-rvt-ran-exit-role-restorative-justice-preventing-and-responding-violent-extremism-dublin_en
- Schönfeld, W. (1952). [*About justice: a triptych* (German)]. Göttingen: Vandenhoeck und Ruprecht. <https://ixtheo.de/Record/1077243049>
- Shiri, A. (2018). [Criminal policy on the rights of victims (Persian)]. *Public Policy*, 4(1), 156-170. https://jppolicy.ut.ac.ir/article_66854.html
- Umbreit, M. S., & Armour, M. P. (2011). Restorative justice and dialogue: Impact, opportunities, and challenges in the global community. *Global Community, Law & Policy Journal: Washington University*, 36, 65-89. https://open-scholarship.wufl.edu/law_journal_law_policy/vol36/iss1/5/
- United Nations. (2000). Basic principles on the use of restorative justice programmes in criminal matters. Retrieved from <https://www.un.org/ruleoflaw/blog/document/basic-principles-on-the-use-of-restorative-justice-programmes-in-criminal-matters/>
- Webber, R. (2009). A new kind of criminal justice. Retrieved from <https://parade.com/38506/parade/091025-a-new-kind-of-criminal-justice/>
- Walgrave, L. (2008). *Restorative justice, self interest and responsible citizenship*. London: Willan Publishing. [DOI:10.1093/bjc/azx002]
- Zehr, H. (1990). *Changing lenses: A new focus for crime and justice*. Scottsdale: Herald press. https://www.google.com/books/edition/Changing_Lenses/dKQnRAAA-CAAJ?hl=en
- Zerang, M. (2005). [History of the constitution in three countries: Iran, France and the United States (Persian)]. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=772156&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author